

به نقل از نشریه کمونیست ماهانه، بخش دوم ...

روز جهانی زن، یک آینده بهتر ممکن است!

آذر ماجدی، سیاوش دانشور، شهلا نوری، مریم افراسیاب پور، ملکه عزتی، کریم نوری

کشمکش اسلام و سکولاریسم در کشورهای منطقه! تمایزات جنبش آزادی زن در ایران؟ موقعیت جنبش ضد آپارتاید جنسی در ایران! خشونت علیه زنان! جنبش مطالباتی فمینیستهای اسلامی! سیاستهای روز زن! بسوی ۸ مارس!

۸ مارس،

روز آزادیخواهی و برابری طلبی، اعلام جرم علیه سرمایه داری و مذهب!

صفحه ۲

آذر ماجدی

تغییر قانون اساسی تونس،

عقبگرد اسلامیتها، پیشروی سکولاریسم

صفحه ۱۰

شهلا نوری

ختنه؛

طهارت روح با شکنجه

صفحه ۸

شیوا گنجی

کنفرانس روز زن

در تورنتو - کانادا

کنفرانس روز زن

در گوتنبرگ - سوئد

مبارزه با فحشاء

از برنامه یک دنیای بهتر

نوشته منصور حکمت

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



۸ مارس،

روز آزادیخواهی و برابری طلبی، اعلام جرم علیه سرمایه داری و مذهب!

آذر ماجدی

دوران جنگ های صلیبی به کشتار انسان ها مشغول است؛ چگونه با ایدئولوژی مذهبی مردم را تکه تکه می کنند؛ چگونه با خلق یک جنبش سیاه تحت نام اسلام سیاسی، زندگی مردم یک منطقه وسیع را به ورطه نابودی کشانده اند؛ چگونه در بخشی از جهان که بیش از نیم قرن، نقش مذهب حاشیه ای شده بود، اکنون انواع و اقسام کلیسا، از کاتولیک تا ارتودوکس بجان مردم افتاده است. چگونه ایدئولوژی اسلامی و یهودیت چندین دهه است که جنایت و جنگ و خونریزی را در منطقه ای مشروع و مقدس جلوه داده است. و کیست که نداند، مذهب یک ایدئولوژی تماما زن ستیز است. مذهب محصول دوران عتیق است. اما امروز این مذهب همچون بخش لاینفک ایدئولوژی حاکم در خدمت حفظ این نظام و تحکیم و تشدید زن ستیزی است.

مسبب موقعیت برده وار، فرودست و بیحقوق زن در قرن بیست و یک نظام سرمایه داری است. نظامی که بر مبنای تولید سود حرکت می کند و استثمار نیروی کار بردگان مزدی مبنای وجودی آنرا تشکیل می دهد. این نظام با تمام خشونت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را به طبقات و اقشار مختلف تقسیم می کند و آنها را بجان یکدیگر می اندازد. ستم جنسی یکی از شنیع ترین و خشن ترین اشکال ستمگشی در جامعه سرمایه داری است. بویژه در بخش وسیعی از جهان این خشونت ابعادی باورنکردنی دارد: از زنده بگور کردن نوزادان دختر، تا قتل های ناموسی، تا اسید پاشی به چهره زنان «نافرمان»، تا اسارت آنها در حجاب سیاه اسلامی و محکوم کردن جامعه به زیستن تحت آپارتاید جنسی. درست است که اینها اشکال بروز ستمگشی

داری و استثمار خشن بدل شده است.

گفته می شود که ستمگشی زن میراث ایدئولوژی مردسالار کهن است. مذهب و ارزش های کهن مردسالار مسبب موقعیت زن در قرن بیست و یک است. بعضا گفته می شود که مردان، بخاطر هورمون های خشونت آفرین شان مسبب این برده داری نوین اند. این ادعاها در مقابل واقعیت خشک و حساب دو دو تا چهارتای اقتصادی رنگ می بازند. در دنیای نوین، در قرن بیست و یک این نظام سرمایه داری است که دارد از بیحقوقی زن سود می برد؛ این بورژوازی است که جیب های خود را از قیل موقعیت تحت ستم زن در جامعه پر پول می کند. و این قانونمندی جان سخت سود است که بمثابة سدی محکم در مقابل دو قرن مبارزه اجتماعی برای رهایی زن قرار گرفته است. در جهانی که سود تنها محرکه آنست؛ در جهانی که حرص و ولع برای سود هر چه بیشتر بر آن حاکم است، زندانها، پلیس و ارتش و یک دستگاه پیچیده ایدئولوژیک هر آن در صدد خفه کردن هر نوع گرایش انسانی برای تغییر و ایجاد یک دنیای بهتر است. این مناسبات است که مانع اصلی مبارزه برای آزادی زن و برابری زن و مرد است.

در این دنیای وارونه استثمار خشن، از مذهب و آراء عتیق برای عقب نگاه داشتن جامعه، تفرقه انداختن در میان انسان ها، سرکوب گرایشات و جنبش های اجتماعی برای رهایی و برابری با تمام قوا استفاده می شود. به جهان بنگرید که چگونه طی سه دهه اخیر نقش مذهب در زندگی مردم افزایش یافته است؛ چگونه مذهب همچون

حدود دو قرن است که جنبش حقوق زن به شکل اجتماعی به میدان مبارزه برای برابری پا نهاده است. بیش از یک قرن از تعیین روزی بنام روز جهانی زن توسط جنبش کمونیستی می گذرد. اما هنوز زنان در تمام دنیا تحت ستم اند.

به یمن مبارزات وسیع اجتماعی توسط جنبش آزادی زن، جنبش کارگری و کمونیستی در بخشی از جهان، در دنیای سرمایه داری پیشرفته، زنان به برخی از حقوق خویش دست یافته اند. اما این پیشروی، گرچه بسیار با ارزش، در متن جهانی همچون قطره ای در اقیانوس است. میلیون ها زن هنوز در بردگی کامل در اسارت مناسبات سرمایه داری بسر می برند؛ حقوقشان هر روزه و هر لحظه به عیان ترین شکلی پایمال می شود و حتی بعنوان شهروند درجه دوم نیز بحساب نمی آیند. در اجتماع و در خانه، در اشتغال و در متن جامعه، از نظر سیاسی و فرهنگی بطور روزمره سرکوب می شوند. سرمایه داری جهانی سودهای کلانی از قیل کار مزدی این زنان به جیب می زند. به یمن جهانی شدن سرمایه داری و ارتباطات گسترده در سراسر جهان، هر روزه در گوشه و کنار دنیا محصولات این ارتش بیگاری کارگری در شکل کالاهای لوکس، پوشاک در مزن های «از ما بهتران» یا فروشگاه های مد ارزانتر، کامپیوتر، تلفن های موبایل و کالاهای روزمره ارزان که به بازارهای جهان صادر می شود، خرید و فروش می شود. فقر و فلاکت، مشقت و رنج و اسارت این زنان بیحقوق کارگر در درون هر یک از این کالاها شینت یافته است. هر روز خیر و گزارشی از مرگ و بیماری، از خودکشی و استیصال این زنان بخاطر شرایط وحشیانه کار در گوشه ای از روزنامه ها منتشر میشود. دنیای امروز به بازار خرید و فروش این بیگاری، برده

کنفرانس بین المللی سازمان آزادی زن بتعویق افتاد!

به اطلاع عموم می‌رسانیم که بدلائل تدارکاتی کنفرانس بین المللی سازمان آزادی زن درباره خاورمیانه و جنبش آزادی زن چند ماهی بتعویق افتاده است. دست اندرکاران سازماندهی کنفرانس های سیاسی، بویژه بین المللی، از موانع و مشکلات متعددی که طی سازماندهی بروز می‌کند، بخوبی مطلع هستند. ما در تلاش هستیم که از کشورهای تونس، مصر، سوریه و ترکیه فعالین دست اندرکار را برای سخنرانی دعوت کنیم. متأسفانه بعلت مشکلاتی که برای برخی از این فعالین پیش آمده است امکان دریافت ویزا و غیره در موقع مقتضی امکانپذیر نشده است. بمحض توافق با سخنرانان بر سر زمان مناسب، طی اطلاعیه ای علاقمندان را از زمان و جزئیات دیگر مطلع خواهیم کرد. بدینوسیله از کلیه علاقمندان پوزش می‌خواهیم.

باطلاع می‌رسانیم که در روز اول مارس سازمان آزادی زن کنفرانسی بمناسبت ۸ مارس در شهر گوتنبرگ به زبان فارسی برگزار می‌کند. اطلاعات مربوط به این کنفرانس در اطلاعیه دیگری اعلام می‌شود.

سازمان آزادی زن
اول فوریه ۲۰۱۴

۸ مارس، روز آزادیخواهی و برابری طلبی، اعلام جرم علیه سرمایه داری و مذهب ...

زن تحت ایدئولوژی مذهبی است، اما این جنایات تحت مناسبات سرمایه داری بوقوع می‌پیوندد و به نیازهای آن پاسخگو است.

نقطه امید، اما جنبش‌ها و خیزش‌های عظیم توده ای در سراسر جهان و بویژه در خاورمیانه و شمال آفریقا است. در شرایطی که بحران عمیق سرمایه داری گلوی دنیا را می‌فشارد، میلیونها انسان در گوشه و کنار جهان به خیابان‌ها آمده اند تا از آنچه یک درصد جامعه می‌نامند، خلع ید کنند؛ تا رژیم‌های استبداد نظامی - مذهبی سرمایه را به زیر کشند؛ میلیونها انسان برای آزادی، برابری و رفاه، برای ساختن یک دنیای بهتر به میدان آمده اند. در این جنبش‌ها زنان نقشی تعیین کننده دارند. آزادی و برابری کامل زن باید به یکی از شعارهای مهم این جنبش بدل شود. این جنبش باید بسمت نابودی سرمایه داری خیز بردارد. تنها راه دستیابی به یک جامعه آزاد، برابر و مرفه، جامعه ای که رهایی زن و برابری زن و مرد تامين و تضمین می‌شود، یک جامعه سوسیالیستی است که با نابودی استثمار سرمایه داری، محو کار مزدی و لغو مالکیت خصوصی هرگونه نیاز به مذهب، خشونت، تفرقه میان انسان‌ها و ایدئولوژی زن ستیز را از میان می‌برد.

جنبش آزادی زن در این کشورها یک رکن پیشرو این مبارزه علیه مذهب و اسلام سیاسی و علیه نظام سرمایه داری بعنوان مسبب این بردگی مدرن است. سازمان آزادی زن برای آزادی بی قید و شرط و برابری واقعی و کامل زن و مرد می‌جنگد.

سازمان آزادی زن تمام انسان‌های آزادیخواه و برابری طلب را فرا می‌خواند که به صفوف آن بپیوندند.

حکومت آپارتاید و واقعیتها

**حکومت اسلامی «حجاب برتر» میخواهد و به هر کاری برای تحمیل بیرق نظم آپارتاید
ضد زن متوسل میشود. زنان اما کار خودشان را میکنند و اخیرا با خیابان گردی بدون
حجاب پاسخ میدهند. در این کشمکش اسلام و حکومت اسلامی فی الحال بازنده اند!**



اسلام ضد زن است!

به نقل از نشریه کمونیست ماهانه، بخش دوم ...

روز جهانی زن، یک آینده بهتر ممکن است!

آذر ماجدی، سیاوش دانشور، شهلا نوری، مریم افراسیاب پور، ملکه عزتی، کریم نوری

برای سکولاریسم واقف است. بنظر می رسد که تجربه ایران، انقلاب شکست خورده ۱۳۵۷، رژیم اسلامی و نبرد دائمی جنبش آزادی زن با رژیم اسلامی درس مهمی به جنبش حقوق زن در این کشورها آموخته است.

کمونیست ماهانه: جنبش آزادی زن در چه اشکالی خود را از دیگر گرایشهای اجتماعی و سیاسی متمایز میکند؟ جایگاه این جنبش در چپ جامعه چیست؟ شاخص ها کدامند؟



سیاوش دانشور: جنبش آزادی زن سر راست و روشن برای برابری زن و مرد مبارزه میکند. این جنبش برای تحقق حقوقی تلاش میکند که جهانشمول است. یعنی حق زن را مشروط به چهارچوبهای کشوری و ملی و قومی و یا چهارچوبهای فرهنگی و مذهبی و غیره نمیکند. نقطه شروع این جنبش اینست که تبعیض جنسی ممنوع! نابرابری ممنوع! و این را برای زنان در کره خاکی میخواهد. لذا جنبش آزادی زن "هویت ملی" ندارد، هویت قومی ندارد، هویت مذهبی ندارد، اسپر واپسگرایی نیست، مدرن و آوانگارد و انترناسیونالیست است، به دستاوردهای جهانی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و جنبش های پیشرو زنان و مردان برای آزادی و برابری تکیه

صفحه ۵

بخورد مردم منطقه دهند. الگوی ترکیه را علم کردند و در مقابل مردم بعنوان آلترناتیو رژیم های سابق گذاشتند. اما این الگو سریعاً با مخالفت مردم در مصر و تونس و جالب اینجاست که در خود ترکیه روبرو شد و این رویای شوم غرب را نقش بر آب کرد.

سه سال از آغاز خیزشهای توده ای در شمال آفریقا می گذرد ولی مردم هنوز برای خواستهای خود در حال مبارزه و جنگ و گریز با ارتش و پلیس هستند. اعتراضات میلیونی مردم مصر ارتش را بمیدان کشید و به برکناری حکومت اسلامی اخوان المسلمین منجر شد. مردم وسیعاً بمیدان آمدند و مخالفت خود را با حکومت اسلامی و اسلام در قدرت اعلام کردند. این اعتراضات هنوز ادامه دارد. در تونس نیز مردم وسیعاً علیه قانون اساسی اسلامی و حکومت اسلامی دست به اعتراض زدند و دولت اسلامی را وادار به عقب نشینی هایی کردند. اکنون قانون اساسی ای که بالاخره بدنبال اعتراضات وسیع مردم، جنبش حقوق زن، جنبش چپ و کارگری در تونس به تصویب رسیده است، از اسلام منفک است و برابری زن و مرد را برسمیت می شناسد.

در تونس بخاطر سابقه تاریخی آن و این فاکتور که تونس مستعمره فرانسه بوده است، جنبش سکولار قوی است. جنبش چپ و کارگری نیز بنظر می رسد که از سایر کشورها قویتر و متشکل تر است. اما متأسفانه این جنبش همانند بسیاری کشورهای دیگر بشدت آلوده به ناسیونالیسم و دموکراسی طلبی پارلمانی است. در مصر شرایط پیچیده تر است. اما جنبش آزادی زن در مصر نیز کاملاً به امر مقابله با اسلامیت ها و تلاش

کمونیست ماهانه: در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا اسلام سیاسی بعنوان یک عامل سرکوب و تحقیر اجتماعی زنان عمل میکند. سوسیالیست ها و سکولارها در چه موقعیتی هستند و جایگاه و دورنمای جدال سکولاریسم و اسلام سیاسی در این کشورها را چگونه می بینید؟



آذر ماجدی: جنبش اسلامی همواره بعنوان یک عامل تهدید ارتجاعی در منطقه حضور داشته است، اما باید توجه داشت که آنچه ما امروز بعنوان جنبش اسلامی از آن یاد می کنیم، یک پدیده "مدرن" است. با پیروزی اسلامیت ها در ایران، یک جنبش جدید اسلامی در منطقه تولد یافت و بعنوان یک نیروی راست و ارتجاعی علیه کمونیسم و کارگر و آزادیخواهی و ترقیخواهی قد علم کرد. اسلام سیاسی به این جنبش که اکنون عملاً سه دهه از عمر آن می گذرد، اشاره دارد. صف آرایی و مبارزه علیه این جنبش یکی از عرصه های مهم نبرد برای آزادی و برابری در منطقه است.

با خیزشهای عظیم توده ای در منطقه، اسلام سیاسی فرصتی دیگر برای عرض اندام در مقابل خواستهای مردم و تقویت سنگر ارتجاع یافت. چنانکه دیدیم چگونه دولت های غربی و در راس آن آمریکا و ناتو به حمایت از این جریان بلند شدند و کوشیدند که یک پدیده خود ساخته بعنوان "اسلام معتدل" را

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!

بیداد میکند. منشا این خشونت ضد زن چیست و به چه منافعی خدمت میکند؟ چگونه باید با خشونت علیه زنان مقابله کرد؟



شهلا نوری: خشونت علیه زنان در سراسر جهان ریشه در نابرابری های موجود در جامعه دارد، در نظام سرمایه داری. چون این نظام است که بطرق مختلف و از جمله با مذهب و مردسالاری و قوانین تبعیض آمیز و تمجید نابرابری خشونت علیه زن را بازتولید میکند. در ایران و در اواخر حکومت سلطنتی، نیازهای رشد سرمایه داری بناچار بخشی از قوانین و سنتهای عقب افتاده و دست پا گیر را به نفع زنان کنار زد اما فقط در این سطح. در همان زمان هم وجود دیکتاتوری سرکوبگر رژیم سلطنتی مانع مبارزه جدی علیه فرهنگ مردسالار اسلامی و تبعیض علیه زنان می شد. فرهنگی که باید بنفع "فرهنگ بورژوازی ملی و ایرانی" حفظ می شد.

جنبش اسلامی با سرکوب انقلاب، سازماندهی اختناق و نسل کشی دهها هزار از زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ توانست از این نظام دفاع کند و آپارتاید جنسی را نیز به مشکلات سابق افزود. وضعیتی که به مهاجرت و پناهندگی میلیونی منجر شد و شرایط را بدنبال سرکوب خونین آزادیخواهان، فراهم کرد تا حکومت و قوانین اسلامی مستقر شود. حکومتی که راسا خشونت علیه زنان را به اوج رساند. در فضای ارباب و سرکوب انقلاب، پرده ای از اختناق و ستم سیستماتیک علیه زنان به وسعت کل جامعه کشیده شد. قانون اساسی اسلامی بر اساس قوانین شریعه با صدها ماده ویژه مجازات زنان در

صفحه ۶

روز جهانی زن،

یک آینده بهتر ممکن است ...

دارد.

واقعی و برابری بیقید و شرط سخن میگوید و به این معنا تماما متمایز است. جنبش آزادی زن دنبال اصلاح هیچ ارتجاعی نیست، حق و آزادی زن را مشروط به منفعت و تعصب هیچ قوم و ملت و مذهبی نمیکند، به مردسالاری و فرهنگ منحط ضد زن باج نمیدهد، سکولار و پیشرو است، نه فقط دنبال پیوندی با اسلام نیست بلکه در تلاش برای جارو کردن اسلام و دستگاه دین بعنوان یک سلطه سیاسی در جامعه است. جنبش آزادی زن در قلمرو برنامه ای، موقعیت زن در جامعه، در خانواده، و در قوانین یک راه حل جذاب و آزادیخواهانه قرن بیست و یکمی دارد. و بالاخره به همت جنبش آزادی زن و تقابل بیوقفه با ارتجاع اسلامی، مسئله زن به یک بارومتر سیاست ایران بدل شده است. مسئله زن یک فاکتور مهم سیاسی و یک سوال مهم اجتماعی است. نمیتوان در ایران از سیاست و آینده جامعه حرف زد و از زن و آزادی و حق وی سخن نگفت. قدرت مادی این جنبش عظیم است و آنچه میبینیم هنوز نوک این کوه یخ است. در جامعه ای که برای یک آینده غیر مذهبی تلاش میکند، نقش جنبش آزادی زن و تقابل با اسلام یک جرم انفجاری وسیع است که کل منطقه را تحت تاثیر جدی قرار میدهد.

جنبش آزادی زن ماهیتا جنبشی چپ است، به اردوی چپ جامعه تعلق دارد، تاریخ اش چپ است، و یک رکن مهم تلاش سوسیالیستی برای آزادی جامعه است. تاریخا هم این چپ بوده که پرچم بهبود حقوق زنان و آزادی زن را وارد فرهنگ سیاسی کرده است. به این اعتبار برخورد با مسئله زن یک شاخص مهم در تعریف جایگاه نیروهای سیاسی در اردوهای چپ و راست جامعه است.

کمونیست ماهانه: خشونت علیه زنان

در تقابل با این مشخصات، بعنوان مثال ناسیونالیستهای ایرانی اعم از پرو غربی یا قوم پرست، بالاخره هویت ایرانی و مشخصات فرهنگ ایرانی - اسلامی را در بحث حقوق زن ملحوظ میکنند. "زن ایرانی" در سنت و فرهنگ ناسیونالیستی همیشه رقیب "زن غیر ایرانی" است. در بحث حقوق زن برای ناسیونالیسم نهایتا کنوانسیون های سازمان ملل حرف آخر است. جناح های قوم پرست ناسیونالیسم به مسئله زن نگرشی ابزاری دارد. برای این طیف، زنان هوراکش سران فئودال مسلک و قوم پرستی هستند که وعده میدهند تحقق مشروطه ملی شان بر مسئله زن ارجحیت دارد و زنان را تنها با هویت قومی و در چهارچوب جنبش ناسیونالیستی برسمیت می شناسند. این طیف مشغول پاشیدن سم نژادپرستی در جامعه است و تلاش دارد زنان را وسیله نژادپرستی و خودمحوری ملی و قومی کنند.

و یا جنبش ملی اسلامی و نیروهای متحد جمهوری اسلامی را نگاه کنید. این جنبش یک پایش در ضدیت با غرب و دستاوردهای زنان در غرب است و مدام آیه "فساد" و "بی بند و باری" میخواند و پای دیگرش در حجره آخوندها و زعمای اسلام. اینها نهایتا میخواهند زنان اسلامی را به مقام روسای حکومت آپارتاید ضد زن "ارتقا" دهند. چپ ستیزی، آزادی ستیزی، علم ستیزی، دفاع از جهالت و سنت، شرقتدگی و اسلام زدگی هویت این جنبش است. اینها تلاش میکنند که بین حقوق زن و اسلام پل بزنند. من خود را فمینیست نمیدانم، با اینحال فکر میکنم "فمینیسم اسلامی" اسم بی مژگا و تناقض در خودی است که این خانمها برای جست و خیز ارتجاعی و ضد زن خویش انتخاب کرده اند.

در تقابل با این مجموعه دیدگاه ارتجاعی و محدودنگر، جنبش آزادی زن از یک رهانی

حقوق زن نه شرقی است نه غربی، جهانی است!

روز جهانی زن،

یک آینده بهتر ممکن است ...

"جنبش مطالباتی" به منافع عینی و مادی طیف زنان اسلامی و حکومتی ربط دارد، اما به زنان در ایران مطلقاً ربط ندارد. این تلاشهای ارتجاعی از نظر زنان در ایران بیهوده و پوچ است. این یک نمایش مضحک اسلامی-فمینیستی برای دفاع از قوانین زن ستیز اسلامی است. این جماعت حتی رفرمیست هم نیستند. همه میدانند جنبش های رفرمیستی که برای بهبود حقوق مدنی در چهارچوب همین نظام موجود سرمایه داری مبارزه میکنند، مادام که نتوانسته اند جنبشی از پائین برای احقاق حق در مقیاس جامعه را رهبری کنند، موفق به تغییر قوانین بنفع توده مردم محروم نشده اند.

کمونیست ماهانه: روز زن امسال چه باید کرد؟ سیاستها و شعارهای روز زن چه جهتی را باید داشته باشند؟ توصیه تان به فعالین و دست اندرکاران مراسمها و برنامه های روز زن چیست؟



ملکه عزتی: همانطور که در جواب سوال قبلی هم اشاره کردم، شعارها و خواسته های این روز باید در کلیت خود کيفرخواست زنان علیه نابرابری، ستمکشی، بردگی مزدی، انقیاد و استثمار در جامعه سرمایه داری باشد. باید یک بار دیگر و به بهانه 8 مارس خواهان تغییر و تحول بنیادی در جامعه شد. پایان دادن به دخالت مذهب در زندگی انسانها یکی از این خواستههاست که تاثیر مستقیم و بلاواسطه بر سعادت، شادی و سلامت جسم و روان انسانها دارد.

تلاش برای خنثی کردن تبلیغات احزاب و دستجات ناسیونالیستی، تفکیک و جدا کردن انسانها بر اساس



همین عناصر و نیروهای طرفدار جناحی از حکومت اسلامی اند، مانند جریان اصلاح طلب در جنبش حقوق زن. این جریان از دوره دوم خرداد کوشیده است جنبش حقوق زن را مهار کند. جریان ملی اسلامی معتقد است که اسلام با حقوق زن در تناقض نیست. "فمینیسم اسلامی" در ایران به طیفی از این زنان، اعم از حکومتی و بیرون حکومتی، با این سیاستهای ارتجاعی اطلاق میشوند. در صورتیکه لغو بی قید و شرط کلیه قوانین شرعی و غیر شرعی زن ستیز و بخصوص حجاب اجباری، در چهارچوب یک رژیم اسلامی میسر نیست. سابقه سی و چهار سال از حیات این رژیم و بیش از یک دهه از شکست جنبش اصلاح طلبی حکومتی، کسی به این توهم باور ندارد که رژیم اسلامی اصلاح پذیر است.

خانمهایی که پرچم "جنبش مطالباتی" را بلند کردند هدفشان را روشن گفته اند: اول، جانی دست شان بند شود و همانطور که خودشان اعلام کرده اند بعنوان "مدیران سطح بالای مملکتی" به بازی گرفته شوند. دوم، همراه با زنان اسلام زده بیرون حکومتی در چهارچوب "جنبش مطالباتی"، جنبش رادیکال آزادی زن را کنترل و اسیر کنند. دو هدف ارتجاعی و ضد زن که در زورق "جنبش مطالباتی" پیچیده شده است.

جهت حفظ مالکیت مرد بر زن و حفظ مردسالاری تدوین شد. قوانینی که به سازماندهی خشونت سیستماتیک علیه زنان میدان داد. در متن تناقضات تحمیل یک آپارتاید جنسی از یک طرف و خواست آزادی زن از طرف دیگر، ناچار شدند برای اعمال خشونت سیستماتیک و تحمیل قوانین اسلامی با ایجاد لات و لمپن های خیابانی هر روز به زنان هجوم بیاورند. حق سفر، حق طلاق، حق انتخاب شغل، ازدواج و حضانت فرزند به همسر، پدر و یا دیگران مردان خانواده داده شد. هر روز قانون جدیدی در تحقیر و بیحقوقی زنان نوشتند و بتصویب رساندند. همه اینها طی سه دهه تلاشی عبث برای سرکوب آزادی و حقوق زن بوده و نهایتاً نتوانسته جنبش آزادی زن را به تمکین به اسلام وادار کند.

برای ریشه کن کردن خشونت علیه زنان باید ریشه های خشونت را خشکاند. یک دلیل پیشروی زنان در کشورهای غربی و در چهارچوب همین نظام، کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم بوده است. این مسئله در مورد ایران هم صادق است. اسلام را باید مهار کرد و شکست داد. ایدئولوژی ای که معتقد است "اسلام با حقوق زن در تناقض نیست" و مردسالاری حاکم بر جامعه از "فرهنگ جامعه" بر می خیزد و نه از اسلام، متحد ارتجاع ضد زن است. برای اینکه نره ای از احکام ارتجاعی اسلامی در حکومت بعدی باقی نماند، باید همین امروز تکلیف خود را با مذهب یکسره کرد. این پیش شرط لغو هرگونه خشونت علیه زن است. رژیم اسلامی ایران محکوم به مرگ است.

کمونیست ماهانه: فمینیستهای اسلامی با سر کار آوردن روحانی بحث "جنبش مطالباتی" را طرح کردند. "جنبش مطالباتی" چیست و چه میگوید؟

مریم افراسیاب پور: "جنبش مطالباتی"

جامعه گرفت و برای امحای هر نوع تبعیض صفوف خود را فشرده تر کرد. برای ما کمونیستها ستم کشی زن محصول نظام سیاسی و اجتماعی امروز است. نه تنها ستم کشی زن بلکه نفس وجود ستم کشی رابطه مستقیمی با نظام سرمایه داری دارد. فعالین اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی باید با این افق به پیشوار هشت مارس روز جهانی زن بروند. برای ما بریدن دست مذهب از دولت و آموزش و پرورش و سیستم قضایی، اینها آن مطالباتی ست که بنظر میرسد یکبار دیگر باید حول آن جنبش مترقی و سکولار را گرد آورد تا مذهب، این پدیده مخل آسایش و آزادی و صلح بشریت را بکنار زد. در هشت مارس باید بر خواست امحای آپارتاید جنسی، نفی ارتجاع و حجاب اسلامی بعنوان بیرق ارتجاع اسلامی به میدان آمد.

انتظار من از فعالین اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی بدست گرفتن ابتکاراتی است که بتواند روز جهانی زن را بعنوان فرصتی برای ابراز وجود اردویی کند که برای ساختن یک دنیای بهتر مصمم هستند. باید خود را سازمان داد و از همین الان دست بکار شد و ارتباطات لازم و هماهنگی های لازم را بوجود آورد و در سطح سراسری هم بتوان جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را نمایندگی کرد. فریاد ما سراسری: آزادی، برابری!

روز جهانی زن،

یک آینده بهتر ممکن است ...

کمونیست ماهانه: چگونه به پیشواز روز زن برویم؟ انتظار از فعالین اردوی آزادی و برابری کدامست؟



کریم نوری
karim.savalan@gmail.com

کریم نوری: من به محدودیت هایی که حکومت اسلامی به اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی تحمیل کرده است واقفم. اما روز جهانی زن فرصتی است که کيفرخواست ستم کشی زن را در مقابل

تعلق قومی و قبیله ایی و نژادی از بزرگترین مضرات یک مبارزه متحد و یکپارچه علیه بیحقوقی زنان در جامعه است. باید با تمام توان برای صف واحد زنان و مردان آزادیخواه تلاش کرد.

همزمان با این خواسته ها باید برای خواسته های فوری و قابل دستیابی در فردای ۸ مارس نیز مبارزه کرد. علیه تفکیک و تبعیض جنسیتی، علیه سنن عهد عتیقی، برای تامین امنیت اجتماعی و شغلی، تلاش جدی و مبارزه هر روزه با خشونت جنسی در جامعه و خانواده علیه زنان، علیه کودک آزاری و در دفاع از تامین امنیت کودکان و دنیای کودکان آنان و جلوگیری از هر نوع تعدی و هتک حرمت و پایمال کردن حقوق انسانی آنان. در نهایت اعلام همبستگی و پشتیبانی از مبارزات زنان در کشورهای اسلام زده برای رهایی و گسترش سکولاریسم و مبارزات زنان در سایر کشورها میتواند تنها بخشی از دهها خواسته هائی باشد که در روز جهانی زن محور اتحاد و همبستگی و مبارزه یکپارچه در صفوف جنبش آزادی زن باشد.

زن و سرمایه داری

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است.

اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سر سخنانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!



نظر بهداشتی نیز برای آنان مفید است.

برای زدودن یا تغییر چنین تفکری و همچنین به منظور تلاش برای پایان دادن به این شکل از خشونت علیه دختران و زنان، می‌بایست بدون مدارا، با فرهنگی مقابله کرد که مولود ختنه و موجد خشونت است.

مصدق روشن شکنجه

یونیسف، صندوق بین‌المللی کودکان سازمان ملل هشدار می‌دهد که بیش از سی میلیون زن و دختر در دهه آینده در معرض ختنه شدن هستند. گیتا راو گوپتا، معاون مدیر اجرایی یونیسف، گفته که ختنه دختران "تعدی به حق صحت و سلامت" آنهاست. وی یادآور می‌شود که در کشورهایی که انجام این عمل مرسوم است رابطه مشخصی بین انجام این رسم و مذهب خاصی نیز وجود ندارد: به عنوان مثال در ناحیه‌ای در جنوب نیجریه ۵ گروه نژادی برش دستگاه تناسلی دختران را انجام می‌دهند ولی تنها یک گروه از آنان مسلمان است، دو گروه که این عمل را انجام می‌دهند بیشتر دارای مذهب مسیحی هستند، و دو گروه دیگر آیین و مذهب بومی منطقه را دارند که هیچ ارتباطی با اسلام، مسیحیت و یا دیگر ادیان آسمانی ندارد.

سازمان ملل متحد بیانیه‌ای به مناسبت روز جهانی "منع هرگونه مدارا با مثله کردن اندام جنسی

صفحه ۹

ختنه؛ طهارت روح با شکنجه

شیوا گنجی

در مصر رخ داده است. بعد از اتفاقی که در سال ۲۰۰۷ رخ داد و در طی آن دختری ۱۱ ساله جان خود را از دست داد، دولت مصر این عمل را غیر قانونی اعلام کرد؛ ولی مردم مصر طبق سنت و آیین چند هزار ساله خود همچنان ختنه دختران را ادامه می‌دهند. در این میان رواج سنت غلط و تفکرات ناصحیح درباره ختنه دختران در بین مسلمانان، در تکرار و شیوع چنین مواردی اهمیت دوچندانی دارد.

مخالفت با ختنه، مقابله با فرهنگ

مدافعان ختنه‌ی زنان و آن دسته از مجریان این رسم قدیمی که بیشتر از مسلمانان آفریقایی و اعراب هستند می‌گویند مردان بر طبق یک دستور دینی ختنه می‌شوند زنان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. برخی بر این باورند که آن دسته از قبایل و گروه‌های غیر مسلمانی که هنوز این رسم کهنه را عملی می‌کنند، آن را سنتی تاریخی و بخشی از فرهنگ خود می‌دانند.

مدافعان و مجریان ختنه‌ی زنان و دختران، این عمل را در کنترل و کاهش کشش‌های جنسی دختران مفید می‌دانند. آنها بر این باورند که ختنه، دختران را تا دوران ازدواج، پاک و منزه نگاه می‌دارد و نیز بکارت دختران (Hymen) باید تا فرا رسیدن ازدواج آنان حفظ شود. هواداران این رسم، ختنه‌ی زنان را همچنین موجب کنترل تمایلات جنسی زنان و در نتیجه وفادار ماندن زنان به شوهران خود می‌دانند. برخی دیگر نیز می‌گویند این کار باعث طهارت روح دختران و زنان از پلیدی‌ها می‌شود و از

اشاره: استلا اوباسانجو بانوی اول نیجریه در کنفرانسی که از سوی کمیته بین آفریقایی مناسک سنتی تاثیرگذار بر سلامت زنان و کودکان در سال ۲۰۰۳ برگزار شد، روز ۶ فوریه را به عنوان روز جهانی علیه ختنه زنان و دختران، پیشنهاد کرد. این روز بعدها از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد با نام روز جهانی "منع هرگونه مدارا با مثله کردن اندام جنسی زنان" در تقویم روزهای بین‌المللی سازمان ملل تصویب شد. امروز ۱۱ سال از آن روز می‌گذرد ولی براساس آخرین اخبار سازمان ملل ختنه همچنان سلامت ۱۲۹ میلیون را به خطر انداخته و تا سال ۲۰۳۰ نیز ۸۶ میلیون نفر دیگر را تهدید می‌کند.

یونیسف، صندوق بین‌المللی کودکان سازمان ملل متحد نیز هشدار می‌دهد که بیش از سی میلیون زن و دختر در دهه آینده در معرض ختنه شدن هستند. بیشتر این دختران و زنان در ۲۹ کشور قاره آفریقا و خاورمیانه زندگی می‌کنند. تقدیر شوم ختنه شدن چنان شکنجه‌ای برای طهارت روح دختران و زنان از پلیدی‌ها! قربانیان را آزار می‌دهد.

هر ۱۰ ثانیه یک قربانی

در هر ۱۰ ثانیه یک دختر در جهان قربانی تفکری اشتباه می‌شود و مورد خشونت ختنه قرار می‌گیرد. دخترانی که در معرض خطر ختنه یا مثله کردن اندام جنسی قرار می‌گیرند به صورت معمول سن کمی دارند؛ این خطر از سن نوزادی تا ۱۵ سالگی آنها را به شدت تهدید می‌کند.

طبق آخرین آمار منتشره سازمان بهداشت جهانی ۹۵ درصد زنان و دخترانی که مورد این شکنجه قرار گرفته‌اند، در سال ۲۰۰۵

حقوق برابر زن و مرد در ازای کار مشابه!

خطرات ناشی از ناقص‌سازی جنسی در دوره حاملگی به‌خصوص در زمان زایمان، از عوارض عمل غیرانسانی ختنه است که بیشتر در جوامع عوام‌زده و خرافاتی بر پایه‌ی رسوم، سنن و باورهای غلط دیده می‌شود.

در این میان می‌توان از سازمان‌ها و نهادها و همچنین از فعالان حقوق بشری زنان انتظار داشت که با اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی در جامعه، به مسیر اشتباه باوری کور و به حرکتی بر پایه‌ی فرهنگ و رسومی نادرست پایان داد. باشد تا از این رهگذر سلامت دختران و زنان بی‌دفاع تضمین شده و همچون انسانی آزاد از حقوق انسانی خود بهره‌مند شوند.*

شیوا گنجی، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان

ختنه؛ طهارت روح با شکنجه ...

استفاده از وسایل آلوده و غیر بهداشتی و بدون استعمال داروی بی‌حسی موضعی انجام می‌گیرد و در مواردی حتی به مرگ منجر می‌شود.

عفونت‌های شدید و طولانی دستگاه تناسلی و مجرای ادراری به همراه درد شدید و غیر قابل تحمل در هنگام برقراری رابطه جنسی، عفونت‌های موضعی و عمومی بدن، درگیری‌های ذهنی و ناراحتی‌های روحی و روانی حاصل از این امر و بروز جوش اسکار در ناحیه بریدگی، مشکلات نازایی و

زنان" منتشر کرده است. این بیانیه ناقص‌سازی اندام جنسی زنان و دختران را "نقض آشکار و مسلم" حقوق بشر زنان دانسته است و تاکید کرده که هیچ بهانه‌ای برای انجام این عمل قابل پذیرش نیست. سازمان ملل می‌گوید ناقص‌سازی اندام جنسی زن "سنت و آیین" نیست و مصداق روشن "شکنجه" است.

خشونت‌ی که ادامه دارد

ختنه زنان و دختران یکی از صورت‌های خشونت علیه زنان است که هنوز ادامه دارد. 70 تا 80 درصد مثله کردن و ختنه، با

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سرمدبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هینت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

پیش به سوی آزادی زن!

جمع‌های آزادی زن را تشکیل دهید!

با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سر بفرستید.

جمع‌های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آبارناید جنسی لغو باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.



صدور دمکراسی!

به لطف تهاجم میلیتاریستی و سرکار آوردن نیروهای متفرقه اسلامی در لیبی اجرای قوانین شریعه تصویب شد!

نه به حجاب!



شہلا نوری

تغییر قانون اساسی تونس،

عقبگرد اسلامیستها، پیشروی سکولاریسم

بعد از ترور و قتل محمد البراهمی که خود از اعضای این مجلس بود عرصه را به حزب اسلامیستی النهضه تنگتر کرد. النهضه که با فشار رو به گسترش اعتراضات رادیکال و سکولار و تحرکات وسیع جنبش کارگری و جنبش آزادی زن عیله حکومت اسلامی و قوانین اسلامی روبرو بود، از وحشت سقوط و با ژست «حفظ منافع ملی و امنیت کشور بجای منافع حزبی» بالاخره بعد از ۳ سال مجبور به عقب نشینی شد.

اما آنچه که بعنوان مفاد بحث برانگیز قانون جدیداً بتصویب رسیده در سطح رسانه ها طرح شده است مربوط می شود به «شکل حکومت، الزام بی طرفی نیروهای ارتش و پلیس نسبت به نیروها و احزاب سیاسی و جرم بودن حکم به تکفیر» که خود گویای تأثیر تقابل دائمی جنبش آزادیخواهانه، سکولار و تأثیر حضور و پیشروی نیروهای چپ و کارگری در متن خیزشهای توده ای در تونس است.

در این میان مدیای نان به نرخ روز خور، که تا دیروز النهضه و غنوشی را نتیجه دموکراسی میدانست، امروز خیر بتصویب رسیدن قانون اساسی را با برجسته کردن مسئله "برابری کامل زن و مرد در قانون اساسی جدید" طرح میکنند. ظاهراً نتیجه هر تلاش و مبارزه مردم علیه ارتجاع از نظر این ژورنالیستها باید به نفع اسلام تمام شود. این ژورنالیستها اسلام زده تلاش دارند با این سیاستها راه را بقای «اسلام معتدل» بگویند. میگویند "در قانون اساسی جدید، اسلام "مذهب رسمی" است اما حکومت بر پایه قوانین شریعت بنا نشده است. این قانون اساسی خدا ناپوران و پیروان ادیان غیر ابراهیمی

بدنبال خیزشهای توده ای در شمال آفریقا و خاورمیانه، که به «بهار عربی» معروف شد در ماه ژانویه اتفاقی در تونس افتاد که دوباره مسئله زن در خاورمیانه را به سرتیتر اخبار جهان کشاند. بعضی ها نوشتند: کشور تونس با اکثریت مسلمان وارد تاریخ سیاسی تازه ای شد که در آن دموکراسی، برابری حقوق زن و مرد، آزادی مذاهب و حقوق شهروندی تضمین شده است. تعدادی دیگر اشاره داشتند بر به رسمیت شناخته شدن ادیان غیر ابراهیمی. بعضی دیگر بدون اشاره به متن قانون اساسی جدیدالتصویب در تونس تا آنجا پیش رفتند که این قانون را یکی از مدرن ترین قوانین اساسی در کشورهای عربی نامیدند. قانون اساسی جدید که تا به حال رسانه ها متن کامل اصلی آنرا چاپ نکرده اند با رای موافق ۲۰۰ نماینده پارلمان تونس در مقابل ۱۲ رای مخالف و ۴ رای ممتنع به تصویب رسید. گفته می شود قانون اساسی مذکور بر خلاف قوانین اساسی امروز بسیاری از کشورهای خاورمیانه بر مبنای قوانین اسلام نوشته نشده است.

لازم به ذکر است که اولین قانون اساسی تونس که در ژوئن ۱۹۵۶ و پس از استقلال این کشور از فرانسه تدوین شد، پس از خیزشهای توده ای و فرار بن علی در سال ۲۰۱۱ کنار گذاشته شد و یک قانون اساسی موقت جایگزین آن شد. این قانون اساسی در موقعیتی تدوین شد که ۹۱ کرسی از ۲۱۷ کرسی مجمع ملی مؤسسان متعلق به حزب اسلامی النهضه بود. طبق قانون اساسی موقت، مجلس مؤسسان یک سال وقت داشت تا قانون اساسی جدید را تدوین کند. اما این دوران پر از فراز و نشیب به دلیل تقابل احزاب اسلامیستی که خواهان برقراری قوانین شریعه بودند از یکطرف و احزاب سکولار با خواست جدایی دین از دولت از طرف دیگر ۳ سال طول کشید. در این دوران، استعفای ۵۲ نفر از نمایندگان مجلس

را هم به رسمیت می شناسد و از آن بیش، برای زنان و مردان حقوق برابر را تضمین کرده است."

جدال ادامه دارد

همه از جمله همین رسانه ها میدانند اسلامیستهای مجلس مؤسسان تونس تحت فشار نیروهای سکولار ولی به «خواست خود» عقب نشینی می کنند تا به روز اخوان المسلمین در مصر دچار نشوند. تونس بنا به تاریخ اش بیش از مصر در آن سکولاریسم وزن اجتماعی دارد و اسلامیها برای بقا با مشکلات حادثری روبرو هستند. واقعیت اما اینست که در هر قانونی که مقوله "مذهب رسمی" در آن طرح شده، آن قانون سکولار نیست. سکولاریسم "مذهب رسمی" کشور برسمیت نمی شناسد. نکته اساسی در کشمکش اسلام و سکولاریسم در تونس که خود را فعلاً در این قانون اساسی جدید نشان میدهد، اینست که اسلامیون النهضه و شرکا علیرغم ترور و سرکوب، نهایتاً زیر فشار سکولاریسم و برابری طلبی و چپ جامعه ناچار شدند عقب بنشینند و سازش کنند. این قانون اساسی چون هنوز اسلام را بعنوان "دین رسمی" تعریف کرده است نمیتواند قانونی سکولار باشد و یا معرفی شود اما در قیاس یا قوانین قبلی که بر اساس شریعت اسلامی بود یک قدم بزرگ به جلو است.

زنان در تونس با این قدم موقعیت خود را در کشمکش با اسلامیون مستحکم میکنند و اسلامیها نیز تلاش دارند اوضاع را به نفع خود برگردانند. جدال سیاسی آزادیخواهی و ارتجاع در تونس تمام نشده است.

نه به آپارتاید جنسی!

مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر نوشته منصور حکمت

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

**جلسه عمومی
بمناسبت ۸ مارس
روز جهانی زن**

   

womensliberation.net Azar Majedi www.fitnah.org Mina Ahadi

**جنبش آزادی زن در منطقه در تقابل با
اسلام سیاسی
ملزومات پیشروی کدامند؟**

شنبه ۱ مارس ۲۰۱۴
ساعت ۱۶ تا ۲۰
تلفن تماس شهلا نوری ۰۰۴۶ ۷۳۷۲۶۲۶۲۲

Viktoriahuset Samlingsal,
Linneagatan 21, Gothenburg, Sweden



**مارس ۲۰۱۴
روز جهانی زن
تورنتو، کانادا**

  

آذر ماجدی مینا احدی هما ارجمند

**آزادی زن در ایران،
موانع و گره گاهها**

برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا با فخری
جوهری تماس بگیرید. شماره تلفن
۶۴۷۴۰۵۶۸۰۲

Thornhill Community Centre محل
7755 Bayview Avenue
Toronto, Canada

زمان شنبه ۸ مارس ۲۰۱۴
از ساعت ۶ و نیم عصر تا ۱۲ و نیم شب
موزیک و شام. ورودی ۳۰ دلار

سازمان آزادی زن
www.womensliberation.net

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰
بوقت تهران از شبکه هات برد
مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت:

27500

KMTV

تلویزیون مدوسا

روزهای جمعه ها از ساعت 2 تا 3
بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی
مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت:

27500

KMTV

به سازمان آزادی زن پیوندید!